

رویکرد جریان‌های شیعی عراق به تحولات نوین کشور

مسلم طاهری کل‌کشوندی / دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه تهران
محمود تقی‌زاده داوری / دانشیار دانشگاه قم

چکیده

بررسی منطقی، علمی و واقع‌بینانه تحولات نوین در عراق، با توجه به شاخص‌هایی نظیر قدرت‌یابی جریان‌های شیعی، وجود رهبران تأثیرگذار، و جهت‌گیری‌های دینی و حضور مردمی، ناگزیر می‌نماید. درک تحولات عراق پس از صدام بخش مهمی از آینده این سرزمین را رقم خواهد زد. تحولات اخیر بنیادی و در جهت بازیابی هویت دینی و متفاوت از اتفاقات علمی و عملی پیشین جامعه شیعی عراق در دوره معاصر است. اگرچه نقش اشغالگران در سقوط صدام نیز از عوامل تسهیل‌کننده وضعیت نوین شیعیان عراق به شمار می‌رود، اما تنها عقبه اجتماعی نزدیک به مبانی این تحولات، انقلاب اسلامی ایران است. بنابراین، تبیین رویکرد شیعیان در تحولات عمومی و راهبردی عراق نوین، با توجه به ماهیت دینی پررنگ این جریان‌ها، ضروری به نظر می‌رسد.

مقاله حاضر در دو بخش، ابتدا به اجمال جریان‌های شیعی اسلام‌گرای عمده در عراق، یعنی «حزب الدعوه»، «مجلس اعلای اسلامی عراق»، «جریان صدر» و «حزب فضیلت»، را معرفی می‌کند، سپس در بخش دوم، با بیان تحولات عمومی و راهبردی ایجاد شده در عراق، نوع رویکرد اتخاذ شده جریان‌های عمده شیعی عراق، را تجزیه و تحلیل می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: عراق، شیعیان، حزب الدعوه، مجلس اعلا، صدر، فضیلت اسلامی، انتخابات.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، که متأثر از آموزه‌های اصیل شیعی و به عبارت دیگر، مبتنی بر اندیشه سیاسی اصیل شیعی به وقوع پیوست، پیش از آنکه یک تحول سیاسی مهم قلمداد شود، تلنگر جدی بر سایر جوامع شیعی دنیا، برای پیمودن مسیر رشد و پیشرفت به شیوه عملی آن در ایران بود که ماهیتی ساختار شکنانه داشت.

ظهور جریان‌های شیعی اسلام‌گرا ویژگی عمده توسعه سیاسی و اجتماعی عراق است. پس از کودتای عبدالکریم قاسم و روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۳۷۸ ق/ ۱۹۵۸ م، فضای سیاسی نسبتاً باز و پرتحرکی در عراق پدید آمد و جریان‌های غیردینی ناسیونالیستی و سوسیالیستی و کمونیستی عربی در قالب امواج توفنده فراگیر، جوانان مسلمان و شیعه عراقی را به خود جذب کرد. (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶) همچنین سرکوب سازمان یافته شیعیان و اعمال تبعیض‌های آشکار، موجب نوزایی در اندیشه سیاسی و حوزه تفکر در بطن جریان‌های شیعی موجود و به ویژه حوزه‌های علمیه در عراق شد (خرم‌شاد و نادری، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷) در چنین فضایی بود که اولین تشکل روحانی عراقی با عنوان «جماعة العلماء» به رهبری شیخ مرتضی آل‌یاسین در سال ۱۹۵۹ م، به منظور مبارزه با جریان‌های مزبور پدید آمد و به انتشار مجلاتی^۱ در این زمینه همت گمارد. (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶)

سرگذشت عراق در سه دهه دیکتاتوری، جریان‌های عمده شیعی عراق را به طراح‌ی سخت‌ترین الگوی مقاومت و پذیرش سنگین‌ترین رسالت به منظور هدایت جامعه سیاسی نوظهور عراق کشانده است. «یکی از علل اصلی این گرایش [رسالت هدایت جامعه] ریشه‌دار بودن آن در مذهب تشیع است.» (بشیر، ۱۳۸۸، ص ۶۵)

در عراق نوین، افراد، طیف‌ها و جریان‌های سیاسی مؤثر و مهمی ظهور کرده‌اند که گرچه تجربه‌ای از قدرت‌مداری است، اما «هرگونه سهل‌انگاری و تفرقه‌اندازی، آینده دشواری را برای آنان رقم خواهد زد. وحدت ملی، حضور در صحنه، شرکت در تشکیل حکومت مستقل و پاسدار هویت اسلامی، بزرگ‌ترین وظیفه مردم عراق به‌ویژه علما، روشن‌فکران و نخبگان علمی و سیاسی است.» (حسینی خامنه‌ای، پیام به مسلمانان جهان در پی سقوط صدام و حمله آمریکا به عراق، ۱۳۸۲) این تجربه جدید در طول این مدت، از منظرهای متفاوت مطمح نظر قرار گرفته و تحلیل‌گران آن را

۱. مانند: مجله الاضواء، النجف، التضامن الاسلامی، الايمان، المواعظ، الرسالة الاسلام، النشاط الثقافي، البلاغ.

بررسی کرده‌اند. آنچه در این میان، محل توافق است آن است که این پدیده دفعی و ناگهانی نبوده، بلکه با طی فرایند تاریخی و در بستر تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه، عراق به وقوع پیوسته است.

هدف مقاله پیش رو واکاوی رویکرد جریان‌های شیعی عراق به تحولات نوین این کشور است. به نظر می‌رسد غلبه رویکرد عمل‌گرایانه معطوف به مصلحت‌اندیشی، به‌عنوان نقطه عطف جریان‌های عمده شیعی، در این تحولات قابل تبیین است.

حضور جریان‌های سیاسی - اجتماعی شیعی همچون «حزب الدعوة الاسلامیه»، «مجلس اعلای اسلامی شیعیان عراق»، «جریان مقتدا صدر»، و «حزب فضیلت اسلامی عراق»، با توجه به اقتضائات زمانی و مکانی عراق، در ساختار جدید حاکمیتی یک کشور چند قومیتی، مثل عراق، که به لحاظ سهم‌دهی سیاسی شیعیان در جایگاه مناسبی قرار دارند، مرحله‌ای دیگر از بلوغ سیاسی اندیشه شیعی را به نمایش گذاشته است. اگرچه اندیشه شیعی در عراق توانست مقاومت فکری و فرهنگی مناسبی را پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت سیاسی تفکر شیعی در قالب جریان‌های معارض قبل از سقوط رژیم بعثی و در قالب زمام‌داران جدید عراق پس از سقوط این رژیم از خود نشان دهد، اما تأثیر رخدادهای نوین عراق در جهان اسلام به‌ویژه بخش عربی آن نیز موجب تأثیرات مثبتی شده است.

مقاله حاضر در دو بخش، ابتدا به اجمال جریان‌های شیعی اسلام‌گرای عمده در عراق، یعنی «حزب الدعوه»، «مجلس اعلای اسلامی عراق»، «جریان صدر» و «حزب فضیلت»، را معرفی می‌کند، سپس با بیان تحولات عمومی و راهبردی ایجاد شده در عراق، نوع رویکرد اتخاذ شده جریان‌های عمده شیعی عراق را تجزیه و تحلیل خواهد کرد.

جریان‌های عمده شیعی اسلام‌گرا در عراق نوین

منظور از «جریان‌های عمده شیعی اسلام‌گرا در عراق نوین»، مجموعه جریان‌هایی هستند که مفاهیم و آموزه‌های دینی - اسلامی / شیعی را به عنوان مبنای حرکت سیاسی خود انتخاب کرده‌اند از این رو، جریان‌های اسلام‌گرای شیعه همواره اسلام را در مرکز ثقل خود قرار داده و مجموعه‌ای از اهداف را برای خود ترسیم نموده‌اند که بتوان وسیله آن اهداف، یک سیاست‌گذاری اسلامی مشوق تلاش برای ساختن جامعه‌ای ایده‌آل، مطابق اصول اسلامی را پی‌افکنند. از این روی، بازسازی جامعه را مبتنی بر ذهنیت اسلامی شروع کرده‌اند.

۱. حزب الدعوه الاسلاميه

«حزب الدعوه الاسلاميه»^۱ یکی از قدیمی‌ترین احزاب سیاسی موجود در عراق است. این حزب (IDP) به استناد ادبیات و اظهارات اعضای آن، اواخر دهه ۵۰ میلادی (الخطیب ابن النجف، ۱۹۸۰، ص ۴۰)، در ۱۲ اکتبر سال ۱۹۵۷ / ۲۰ مهرماه ۱۳۳۶ ش (رؤوف، بی‌تا، ص ۱۳۲) در شهر مقدس نجف عراق تأسیس شد. البته این تاریخ را علی مؤمن ذکر کرده است (مؤمن، بی‌تا، ص ۳۵-۳۶)، در حالی که حنا بطاطو تأسیس آن را پایان دهه ۶۰ میلادی دانسته و عبدالله نفیسی و احمد موصلی تاریخ تشکیل آن را به ترتیب سال‌های ۱۹۷۷م/۱۳۵۶ ش و ۱۹۶۸م/۱۳۴۶ ش می‌دانند. (موصلی، ۱۹۹۸، ص ۲۹۱) اگرچه درباره تاریخ تأسیس «حزب الدعوه» اختلاف نظر وجود دارد، اما با توجه به واقعیات جامعه عراقی آن دهه، همگان معتقدند: ظهور حرکت حزب پس از انقلاب ۱۹۵۸ عبدالکریم قاسم بود. (ابراهیم، ۱۹۹۶، ص ۲۴۳) اما «حزب الدعوه» فعالیت علنی خود را پس از به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق در سال ۱۹۶۸ آغاز کرد.

با تهاجم آمریکا و سقوط رژیم استبدادی صدام حسین در ۹ آوریل ۲۰۰۳ / ۲۰ فروردین ۱۳۸۲، فرصتی در اختیار «حزب الدعوه» قرار گرفت تا دیدگاه خود مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی را، که بیش از ۴۰ سال آن را دنبال می‌کرد، به اجرا گذارد. بنابراین، رهبران و بسیاری از اعضای این حزب به کشور خود بازگشتند و به ایفای نقشی پیشرو در برآوردن «ولایت امت» برای عراق و نیز تلاش برای آشتی دادن عراقی‌ها به زندگی به‌رغم فجایع متحمل شده از طریق صدام حسین اقدام کردند. در آن تاریخ، ابراهیم جعفری به عنوان دبیر کل «حزب الدعوه» به نمایندگی از ستاد عالی رهبری حزب دخالت اشغالگران آمریکایی در شرایط آن روز عراق را پذیرفت، ولی بر ضرورت رهایی از تسلط آن‌ها نیز تأکید کرد. (لطیف، ۱۳۹۰، ص ۲۶۷) پس از تشکیل شورای حکومتی در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۳/تیرماه ۱۳۸۲ رهبر برجسته و دبیر کل حزب، یعنی دکتر ابراهیم جعفری برای اولین بار رئیس شورای حکومتی شد. در ۲۸ آوریل ۲۰۰۵ / ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۸۴، عراقی‌ها به ابراهیم جعفری نخست وزیر دموکراتیک انتخاب شده دولت موقت عراق رأی دادند. پس از وی، در ۲۰ مه ۲۰۰۶ / ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵، نوری مالکی، یکی دیگر از رهبران ارشد حزب، به انتخاب مجلس عراق، به عنوان نخست وزیر به مدت ۲ دوره ۴ ساله از

1. The Islamic Dáwa Party.

سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ م انتخاب شد. همچنین پس از نخست وزیری نوری مالکی، پس از مدت‌ها کشمکش بر سر معرفی نخست وزیر، در نهایت، حیدر العبادی، که ریاست دفتر سیاسی و عضویت در شورای رهبری «حزب الدعوة» را در کارنامه خود داشت، در اوت ۲۰۱۴، به عنوان سومین نخست وزیر شیعی عراق، مأمور تشکیل دولت جدید شد.

۲. مجلس اعلای اسلامی عراق

«مجلس اعلای (انقلاب) اسلامی عراق» در اول ماه صفر سال ۱۴۰۳ قمری برابر با ۱۹۸۲/۱۱/۱۷ میلادی در تهران تأسیس شد. (رضا ناظمیان، ۱۳۷۹، ص ۸۷) آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم در این زمینه می‌گوید: تشکیل این مجلس زمانی رخ داد که شهادت آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر به دست رژیم حاکم بر عراق، خلأ بزرگی در رهبری مبارزات اسلامی عراق به وجود آورده بود. از این رو، جمعی از علما و شاگردان شهید صدر و رهبران جنبش اسلامی عراق برای جبران این خلأ دست به کار شدند و با همکاری و هماهنگی جمهوری اسلامی ایران، بحث‌های مفصل و تلاش‌های متعددی صورت گرفت که تأسیس جمعیت علمای مجاهد عراق و پس از آن «دفتر انقلاب اسلامی عراق» و سپس تلفیق و توسعه همه این مؤسسات در «مجلس اعلای اسلامی عراق» اتفاق افتاد. از مؤسسان «مجلس اعلای اسلامی عراق» می‌توان به احزاب و گروه‌هایی همچون «حزب الدعوة الاسلامیه»، «منظمة العمل الاسلامی»، «حركة المجاهدين العراقيين»، «حزب الله كردستان» به اضافه گروهی از «اخوان المسلمین» عراق، که پس از بحران کویت به مجلس پیوستند، اشاره نمود. (ناظمیان، ۱۳۷۹، ص ۸۸)

۳. جریان صدر (التيار الصدري الرئيسي)

برخی از جریان‌های شیعی در عراق مدعی هستند که پیرو تفکر شهید صدر هستند به عبارت دیگر، خود را «جریان صدر» می‌نامند. از بارزترین این مجموعه‌ها می‌توان به مجموعه‌های ذیل اشاره کرد:

۱. «جریان مقتدی صدر» (التيار الصدري الرئيسي) به ریاست مقتدا صدر که در آن، مجموعه‌ای از روحانیان معمم و غیر آن حضور دارند؛ مانند عبدالهادی الدراجی، صلاح العبیدی، حازم الأعرجی، و إيهاب الأعرجی. به طور مشخص، مرجع این گروه پس از شهادت سید محمد صادق صدر، آیت‌الله کاظم حائری بوده که اکنون در ایران (شهر قم) ساکن است.

۲. «حزب فضیلت»، که امروزه در رأس آن هاشم الهاشمی حضور دارد، تحت رهبری آیت‌الله محمد یعقوبی که از شاگردان شهیدان صدر (اول و دوم) بوده و در حال فعالیت است. این مجموعه از حیث آنکه رهبرش در بصره ساکن است، مرکزیت خود را این شهر قرار داده و عمده نفوذش نیز در همین شهر است.

۳. مجموعه «محمود الصرخی»، مجموعه کوچکی که از کربلا نشئت گرفت و در برخی جاهای دیگر رخنه کرد و انتقادات شدیدی به حکومت عراق و ایران و احزاب شیعی دیگر دارد.

۴. جماعة «القاضی الیمانی»، یا «جند السماء» چنان که در کتاب وسائل الاعلام معرفی شده‌اند، در مقابل گروه‌های نظامی دیگر احزاب شیعی، سلاح به دست گرفتند و در این صف آرای با به‌کار گرفتن زنان و کودکانشان در مقابل سایر احزاب شیعی آرایش جنگی خود را کامل نمودند. همواره بقایای این گروه در بعضی مناطق جنوب عراق دور از چشم نیروهای نظامی رسمی فعالیت می‌کنند. به سبب ممنوع شدن فعالیت آن‌ها از سوی حکومت و مقابله سایر گروه‌های شیعی با آن‌ها، فهم افکار این گروه مشکل است. اما آن‌ها آن‌گونه که آشکار شده، به روش خاص فکری خودشان، منتظر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه هستند و مسلحانه در مقابل احزاب و گروه‌های نظامی، که اعتقاد به تأخیر ظهور دارند، می‌ایستند.

۵. گروه‌های کوچک دیگری هستند که جهت‌گیری‌های فکری سیاسی‌شان مشخص نیست. این گروه‌ها در ساحت سیاسی عراق تأثیر آنچنانی ندارند.

صرف‌نظر از ادعای این مجموعه‌ها، همگی خود را «جریان صدر» می‌دانند، با اینکه آشکارا با هم مخالفت و دشمنی می‌کنند، به‌ویژه بین «جریان مقتدا صدر» و «حزب فضیلت» به رهبری آیت‌الله یعقوبی، که با مشروعیت گروه مقتدا صدر منازعه می‌کند. (شوقی البغدادی، الأحزاب الشیعیة الرئيسية فی العراق، ۲۰۱۱، ص ۲۳۰)

در این مقاله، منظور از «جریان صدر»، همان جریان مقتدا صدر است. پس از ترور سید محمدباقر صدر در سال ۱۹۸۰ در عراق، جریانی منسوب به صدر به رهبری سیدمحمدصادق صدر روی کار آمد. این حرکت با تکیه بر میراث جهادی و حمایت گسترده مردم آغاز شد. با وجود اینکه این جریان در خصوص امور سیاسی دارای یک ایده و نگرش ثابت نیست ولی بر محوریت نقش آل صدر در فعالیت‌های اسلامی عراق اتفاق نظر دارد و آن را عامل اصلی برپایی انقلاب اسلامی می‌داند. (حسن لطیف، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱)

۴. حزب فضیلت اسلامی

«حزب فضیلت اسلامی» در ماه می ۲۰۰۳ تأسیس شد و مقر اصلی آن در بغداد است، ولی شهر بصره از مهم‌ترین جایگاه‌ها برای این حزب محسوب می‌شود؛ زیرا تعداد زیادی از پیروان آیت‌الله محمد یعقوبی آنجا هستند. (لطیف، ۱۳۹۰، ص ۲۸۹) آیت‌الله محمد یعقوبی مرجع برجسته شیعی، از جمله صدریان میان‌روی است که به تفکر دو شهید سیدمحمدباقر و سیدمحمدصادق صدر پایبند است. وی رهبر معنوی «حزب فضیلت» است. اعضای این حزب گرچه از پیروان ایدئولوژی آیت‌الله سیدمحمدصادق صدر محسوب می‌شدند، اما از الزام عاطفی، که یاران مقتدا صدر انتخاب کرده بودند، خیلی دور بودند و مقتدا صدر را به عنوان رهبر جریان قبول ندارند و به ویژه پس از تندروی‌های صدر از این گروه جدا شدند. (اسدی، ۱۳۹۰، ص ۳۹) وی طرح‌های عملی را برای تأثیر در زندگی سیاسی و اجتماعی اتخاذ کرده (لطیف، ۱۳۹۰، ص ۶۲) و فعالیت شهید سیدمحمدصادق صدر را ادامه داد. و با ایجاد «دانشگاه علوم دینی صدر» (با ۱۳ رشته) در بغداد و استان‌های منطقه جنوبی، حمایت‌های لازم را برای ادامه کار به دست می‌آورد. با جذب گروهی از اندیشمندان، مسئولیت اداره فعالیت‌های اجتماعی و دینی حوزوی با مدیریت و نظارت شیخ محمد یعقوبی بر فعالیت‌های اداری، تعلیم و پرورش افراد در حزب ادامه دارد. پس از سقوط دیکتاتوری در ۲۰۰۳/۴/۹ توسط ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده، که از زمان اشغال عراق توسط نیروی ائتلاف نمی‌گذشت، حزب «فضیلت» مؤسسه و پایوران خود را برای فعالیت به داخل عراق گسیل داشت. پس از معرفی اجمالی جریان‌های شیعی اسلام‌گرای عمده در عراق، یعنی «حزب الدعوة»، «مجلس اعلای اسلامی عراق»، «جریان صدر» و «حزب فضیلت»، در ادامه، با بیان تحولات عمومی و راهبردی ایجاد شده در عراق نوین، نوع رویکرد اتخاذ شده جریان‌های عمده شیعی عراق نسبت به این تحولات، تجزیه و تحلیل خواهد شد:

تحولات عراق نوین و رویکرد جریان‌های شیعی عراق

در شرایط کنونی، تحول اساسی در حاکمیت عراق و دستیابی شیعیان به قدرت سیاسی و تلاش برای یافتن جایگاه اصلی خود در پهنه سیاسی این کشور، از شکنندگی ویژه‌ای برخوردار است. نقش و جایگاه جریان‌های عمده شیعی به عنوان نیروی اکثریت، در مجلس و دولت عراق، که نقش اول را در تصمیم‌گیری‌ها و تحولات سیاسی اجتماعی عراق پس از صدام ایفا نموده، به خوبی قابل

ارزیابی است. آن‌ها با اتخاذ رویکردی عمل‌گرایانه مبتنی بر واقعیت‌های نوین این کشور، در دو سطح تحولات عمومی و راهبردی عملکردی مثبت از خود برجای گذاشته‌اند. این مقاله درصدد است با ارزیابی تحولات عمومی و راهبردی عراق، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین همسایگان بر ژئوپلیتیک منطقه، ضمن مشاهده هدفمند تحولات و رویدادهای این کشور، به گردآوری، تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده بپردازد تا بدین وسیله، جایگاه جریان‌های عمده شیعی در عراق معاصر را تبیین کند تا معلوم شود که شیعیان عراقی برای کسب این جایگاه مناسب، به چه اقداماتی دست زده‌اند.

۱. تحولات عمومی

با توجه به توزیع قدرت عراق نوین بین نیروهای سیاسی مؤثر در عرصه سیاسی-اجتماعی این کشور و همچنین تنوع اهداف، امکانات و راهبردهای هریک از نیروها، نقش جریان‌های عمده شیعی عراق در قبال تحولات عمومی از آن نظر که شیعیان نیز مانند سایر گروه‌های مؤثر در صحنه قدرت عراق نقش دارند در دو محور مهم ذیل قابل بررسی است؛ ۱. امنیت در عراق ۲. انتخابات عراق و روندهای آن.

بدین‌رو، این مقاله درصدد است نوع رویکرد جریان‌های شیعی عراق به این دسته تحولات عراق نوین را بررسی کند و در خلال این بررسی، جایگاه هریک از این جریان‌ها را در صحنه سیاسی عراق تبیین نماید.

الف. امنیت در عراق

به دنبال سقوط رژیم بعث در عراق، برخورد منافع قومی مذهبی بروز پیدا کرده است. با تغییر رژیم اقلیت سنی، که بر اکثریت شیعه حکومت می‌کرد، از پذیرش تغییر در قدرت امتناع نمود و در نتیجه، اوضاع رو به وخامت نهاد و رنگ خشونت به خود گرفت. (نصر، ۲۰۰۶، ص ۱۲) اوایل اشغال عراق وضعیت این کشور به گونه‌ای بود که در هیچ خیابان و منطقه‌ای مکان امنی یافت نمی‌شد. علی‌رغم آنکه اشغالگران مسئول امنیت این کشور بودند، اما مشکل اصلی برای امنیت عراق، وجود خود اشغالگران در عراق بود، عاملی که به صورت انگیزه برای برخی افراد درآمده بود و به خشونت در عراق دست می‌زدند. (روحانی، ۱۳۸۴، ص ۲۰) امروزه تداوم بی‌ثباتی و ناامنی

در عراق و نگرانی‌های موجود در خصوص احتمال تبدیل شدن بحران عراق به یک جنگ داخلی، موجب شده است تا الگوها و سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه از سوی آمریکا و تلاش این کشور برای کنار گذاشتن بازیگران فعال منطقه‌ای مانند ایران با توجه به نفوذ غیر قابل انکار آن بازبینی شود. از آن‌رو که آشوب در عراق نه تنها تمامیت ارضی این کشور را تهدید می‌کند، بلکه ممکن است به سایر نواحی و مناطق مجاور نیز سرایت کند، کشورهای منطقه و حتی جهان بر ضرورت راه حل صلح‌آمیز برای آن، تأکید دارند. بنابراین، در مقابل مسئله وحدت و انسجام ملی و همچنین در کنار آن، تمامیت ارضی عراق مطرح می‌شود و هرگونه تشتت و اختلاف به ضرر ملت عراق است.

عدم شکل‌گیری فرایند دولت - ملت‌سازی و فقدان هویت سیاسی نهادینه شده در عراق از یک سو، و سیاست‌های غیر مسئولانه قدرت‌های فرامرزی و برخی کشورهای منطقه از سوی دیگر را می‌توان از جمله علل اصلی بی‌ثباتی در منطقه و عراق دانست. در اوایل سقوط رژیم صدام، برخی حوادث تروریستی همچون انفجار سامراء رخ داد تا در عراق جنگ مذهبی و داخلی به وجود آید. اخیراً نیز (در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴) عراق شاهد پدیده‌ای به نام «داعش» بود که با هدف ایجاد امارت اسلامی در منطقه عراق و سوریه، اقدام به فعالیت‌های تروریستی در این کشور نمودند و موجی از بی‌ثباتی و ناامنی را در این کشور ایجاد کردند. سقوط موصل و همچنین استان‌های صلاح‌الدین و بخشی از الانبار، کرکوک و حتی برخی از مناطق استان بابل، حلبه و بغداد از اولین نشانه‌های فعالیت این گروه تروریستی بود، «این سقوط طی چند روز انجام گرفت و باعث به وجود آمدن نوعی دستپاچگی در دولت شد» ([www://almejlis.ir](http://www.almejlis.ir)) اما امید است هوشیاری حوزه علمیه نجف و آیت‌الله سیستانی از یک سو، و حضور ملت عراق (شیعیان، اهل سنت و کردها) نیز از سوی دیگر، موجب دفع برخی از اقدامات تروریستی در عراق شود. همچنین با اجرای توافق نامه امنیتی و خروج نیروهای اشغالگر از عراق چشم‌اندازهای تازه‌ای پیش روی دولت عراق گشوده شده است؛ زیرا اساساً افکار عمومی این کشور ایالات متحده را به عنوان یک قدرت اشغالگر می‌شناسد و خواهان خروج تاحد امکان - سریع این نیرو و سایر نیروهای ائتلاف از این کشوراند. (ای. حسین، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹) جریان شیعی مقتدا صدر نیز با توجه به شعارش مبنی بر «مقاومت در برابر اشغالگران»، پس از خروج نیروهای اشغالگر از عراق، طی بیانیه‌ای از

شهروندان عراقی خواست که از نیروهای امنیتی عراق حمایت کنند و به حامیان خود توصیه کرده در عرصه جدید «مقاومت سیاسی» در عراق مشارکت کنند و از فعالیت‌های خشونت‌بار بپرهیزند. بنابراین، به نظر می‌رسد «امنیت تنها در چارچوب ترکیبی از راه‌حل‌های سیاسی-امنیتی میان گروه‌های اصلی شیعه، سنی و کرد در عراق و عدم دخالت کشورهای خارجی حاصل خواهد شد» (طاهری کل‌کشوندی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۴)

ب. انتخابات عراق و روندهای آن

پس از سقوط رژیم بعث، جریان‌های عمده شیعی یک رقابت نظام‌مند را برای کسب آراء در مبارزه و اعتراض به شرایط موجود آغاز کردند. اگر گفته‌ها، عمل‌کردها و موضع‌گیری‌های اخیر شخصیت‌های سیاسی شیعی دو گروه بزرگ عراق - دولت قانون و ائتلاف ملی - را مرور کنیم، می‌بینیم هیچ نقطه اختلاف قابل توجهی میان آن‌ها وجود ندارد و تنها اصل رسیدن به قدرت موجب اختلاف شده است. از این رو، ائتلاف‌های جدیدی میان شیعیان (سکولار و اسلام‌گرا) صورت گرفته که از مهم‌ترین آنها دو ائتلاف بزرگ «دولت قانون»، «ائتلاف ملی عراق» است.

قابل ذکر است که براساس قانون جدید انتخابات عراق، این کشور دارای حوزه انتخابیه داخل و یک حوزه برای رأی‌دهندگان خارج از کشور است و انتخابات براساس «فهرست باز» (فهرستی که در آن اسامی نامزدها در کنار نام حزب و گروه وی نیز می‌آید) انجام خواهد شد و تعداد کرسی‌های مجلس از ۲۷۵ کرسی فعلی به ۳۱۱ کرسی، یعنی یک کرسی برای هر یکصد هزار نفر (بر اساس آمار سال ۲۰۰۹) افزایش خواهد یافت. با محاسبه کرسی‌های اقلیت‌ها و کرسی‌های مهاجران عراقی در خارج از کشور، تعداد کل نمایندگان به ۳۲۳ نفر رسید. این قانون همچنین بر برگزاری انتخابات در همه مناطق عراق، از جمله استان کرکوک در موعد مقرر براساس پرونده ثبت‌نامی رأی‌دهندگان در سال ۲۰۰۹ تأکید می‌کرد تا اینکه نتایج بر این اساس اعلام شد.

با تأخیری ۱۶ روزه نسبت به زمان اعلام شده برای برگزاری انتخابات، روز ۲۱ ژانویه ۲۰۱۰ (۱ بهمن ۱۳۸۸) روز برگزاری انتخابات اعلام شد، در حالی که قبلاً ۲۶ دی‌ماه ۱۳۸۸ به عنوان زمان برگزاری انتخابات مشخص شده بود. پس از برگزاری موفقیت‌آمیز انتخابات، کمیته عالی انتخابات مستقل، میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس در سراسر کشور عراق را در سال

۲۰۱۰، ۶۲/۵ درصد اعلام کرده. مقامات عراقی همچنین برآورد کردند: ۲۷۵،۰۰۰ عراقی از روز ۵ تا ۷ ماه مارس ۲۰۱۰ در خارج از کشور رأی داده‌اند. طبق گفته کمیته انتخابات، ترتیب ۱۱/۷ میلیون عراقی آراء خود را به صندوق ریختند.

([www://mawtani.al-shorfa.com/fa/articles/iii/features/iraqtoday/2010/03/14/feature-01](http://www/mawtani.al-shorfa.com/fa/articles/iii/features/iraqtoday/2010/03/14/feature-01))
در انتخابات سال ۲۰۱۴ عراق، در حالی برگزار شد، که بر اساس اعلام کمیساریای عالی و مستقل انتخابات عراق، ائتلاف «دولت قانون» به ریاست نوری مالکی با کسب ۹۲ کرسی، پیروز سومین انتخابات مجلس پس از سقوط رژیم بعث شد. ائتلاف مالکی در بغداد و ۹ استان بصره، میسان، واسط، بابل، ذی‌قار، نجف، کربلا، مثنی و قادسیه، گوی سبقت را از رقبای خود ربود. همچنین «جریان صدر» با ۳۲ کرسی و «المواطن» با ۲۹ کرسی و «متحدون» با ۲۳ کرسی در مرتبه دوم، سوم و چهارم قرار گرفتند. با وجود اینکه نوری مالکی رأی اول بود، ولی نمی‌توانست به تنهایی با اتکا به آراء ائتلاف تحت رهبری‌اش به نخست‌وزیری برسد و نیاز به ائتلاف با دیگر احزاب، به ویژه دو «جریان صدر» و «مواطن» داشت؛ اما این دو جریان در کنار کردها و احزاب اهل تسنن مخالف تصدی دوباره وی بودند و همین کشمکش موجب شد پس از انتخابات، بحران سیاسی بار دیگر تشدید شود. همچنین در زمینه اقتصادی، نیز، کاهش بهای نفت، عراقی‌های خسته از درگیری‌های سیاسی را دچار گرفتاری بیشتری کرد و کشمکش‌های سیاسی بر سر دست‌یابی به مناصب دولتی، با منشأ اختلافات قومی و طایفه‌ای، حتی به میان نیروهای یک جناح و گروه‌های کوچک میان جریان‌های سیاسی هم کشیده شد.

تعاملات «حزب الدعوه» با دو جریان لیبرال- سکولار شیعی مهم عراق، یعنی «کنگره ملی عراق» به رهبری احمد چلبی و «جنبش وفاق ملی» تحت رهبری ایاد علاوی متفاوت بوده است. «حزب الدعوه» در انتخابات مجمع ملی عراق در ژانویه ۲۰۰۵ در قالب ائتلاف عراق یک‌پارچه با کنگره ملی عراق در قالب فهرستی در رقابت‌های انتخاباتی شرکت کرد و در دوره نخست وزیر ابراهیم جعفری، احمد چلبی معاون نخست وزیر بود؛ اما در رقابت‌های پارلمانی عراق در دسامبر ۲۰۰۵ با جدایی حزب چلبی و مشارکت جداگانه در انتخابات، که نتایج مثبتی هم برای این حزب نداشت همکاری‌های آن‌ها تضعیف شد. در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ نیز کنگره ملی عراق به همراه سایر گروه‌های شیعی در ائتلاف ملی شرکت کردند و تعامل چندانی با «حزب الدعوه»

نداشتند. با این حال، روابط «حزب الدعوه» و «کنگره ملی عراق» روابطی با رقابت‌های گسترده یا خصوصت‌آمیز نبوده است؛ اما بین «حزب الدعوه» و «جنبش وفاق ملی عراق» به رهبری علاوی، رقابت‌هایی جدی در دوره‌های متفاوت روند سیاسی عراق پس از صدام وجود داشته است. در سه انتخابات پارلمانی مهم عراق، یعنی انتخابات مجمع ملی در ژانویه ۲۰۰۵، انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۵ و انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ عراق، «جنبش وفاق ملی» تحت فهرست «العراقیه» به همراه سایر گروه‌های عراقی و به ویژه گروه‌های سنی، سعی کرده است تا جریان رقیب انتخاباتی مهمی در مقابل جریان‌های شیعی اسلام‌گرا و به خصوص «حزب الدعوه» شکل دهد.

در دوره دولت اول نوری مالکی، «مجلس اعلای اسلامی»، به رغم مشارکت در کابینه، همواره از نوعی تمامیت‌خواهی و تکروی «حزب الدعوه» انتقاد می‌کرد و آن را مخالف مصالح جامعه شیعی و اصول همکاری در قالب ائتلاف عراق یک‌پارچه عنوان می‌نمود. در عین حال، رقابت‌های مجلس اعلای اسلامی عراق با «جریان مقتدا صدر»، که از رقابت‌های دیرینه دو خاندان حکیم و صدر و اختلاف نظرهای سیاسی ناشی می‌شود، تداوم یافت. مجلس اعلای اسلامی عراق همانند سایر گروه‌های شیعی در انتخابات شوراهای استانی ۲۰۰۹، به صورت مستقل در انتخابات مشارکت کرد. در این انتخابات، مجلس اعلای اسلامی عراق در قالب تشکلی جدید، رهبری لیست «شهید محراب» را بر عهده گرفت که گروه‌ها و سازمان‌های تشکیل دهنده آن شامل مؤسسه «شهید محراب»، «سازمان بدر»، «تجمع مستقل» به رهبری عادل عبدالمهدی، «جنبش حزب الله» به رهبری کریم ماهود المحداوی و «جنبش سیدالشهداء» بودند. (اسدی، ۱۳۸۷، ص ۷)

در انتخابات شوراهای استانی، فهرست «شهید محراب» ۵۳ کرسی از مجموع ۴۴۰ کرسی شوراهای استانی را به خود اختصاص داد که در مقایسه با ۱۲۶ کرسی ائتلاف «دولت قانون» تحت رهبری «حزب الدعوه»، کاهش جایگاه این جریان سیاسی را نشان می‌داد.

همچنین مجلس اعلای اسلامی عراق در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۴ نقش اصلی را در ایجاد ائتلاف ملی عراق و همبستگی بین بیشتر گروه‌های شیعی داشت، هرچند در جذب «حزب الدعوه» در این ائتلاف موفقیتی کسب نکرد.

«جریان صدر» در انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۵ در قالب ائتلاف یکپارچه در رقابت‌های انتخاباتی مشارکت کرد و توانست ۳۳ کرسی را به خود اختصاص دهد و چند پست وزارتی -

خدماتی را در دولت اول مالکی به دست آورد. با این حال، به تدریج با بروز اختلافاتی بین «جریان صدر» و مالکی در خصوص خروج نیروهای آمریکایی (نوری مالکی خواهان ماندن نیروهای آمریکایی در برخی نقاط عراق به منظور حفظ امنیت این شهرها بود، در حالی که مقتدا صدر از اول خواهان خروج هرچه سریع‌تر این نیروها بود) و همچنین با سرکوب «جیش المهدی» از سوی مالکی در بصره در سال ۲۰۰۷، وزرای این جریان از کابینه مالکی خارج شدند و سپس صدriها از ائتلاف «عراق یکپارچه» نیز کنار کشیدند.

«جریان صدر» در انتخابات شوراهای استانی سال ۲۰۰۹، در قالب فهرستی جداگانه مشارکت نمود و توانست ۴۱ کرسی از مجموع ۴۴۰ کرسی شوراهای استانی را به دست آورد. همینطور در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ در قالب «ائتلاف ملی عراق» مشارکت کردند و توانستند ۴۰ کرسی را به دست آورند. با وجود اختلافات موجود با نوری مالکی، صدriها در روند تشکیل دولت دوم عراق در سال ۲۰۱۰ و نخست‌وزیری مجدد وی نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. (اسدی، ۱۳۸۹، ص ۱۴) این جریان در انتخابات ۲۰۱۴ با عنوان «الاحرار» همانند ادوار گذشته به شکل مستقل وارد رقابت‌های انتخاباتی شد گرچه مقتدا صدر، رئیس این جریان، کناره‌گیری خود را از سیاست اعلام کرده بود اما، رهبری اصلی آن را خود وی بر عهده داشت، از لحاظ سیاسی، این جریان را ضیاء الاسدی دبیر کل شورای سیاسی «جریان صدر» عهده‌دار بود. در این ائتلاف، گروه «قیام مبارکه شعبان» و «جنبش اصلاح ملی» به ریاست سامی آل‌معجون نیز حضور دارند. فراکسیون «الاحرار» در این انتخابات، با سه فهرست، که دو فهرست آن به شکل مستقل است. در انتخابات حضور پیدا کرد. «حزب فضیلت» در انتخابات پارلمانی ژانویه و دسامبر ۲۰۰۵ عراق در قالب «ائتلاف عراق یکپارچه» شرکت کرد و در مجلس اول ۱۵ کرسی را در اختیار داشت. «حزب فضیلت» در انتخابات شوراهای استانی سال ۲۰۰۵ توانست از ۴۱ کرسی شورای استانی بصره، ۱۵ کرسی را به خود اختصاص دهد و با جذب ۶ کرسی مستقل دیگر با کسب اکثریت، محمد مصباح الوائلی از این حزب را به سمت استانداری بصره برساند. (اسدی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹)

در ماه مه ۲۰۰۶ «حزب فضیلت» با انتقاد از مداخله آمریکا و همچنین عدم اختصاص وزارت‌خانه‌های نفت و بازرگانی به این حزب از مذاکرات با دولت جدید عراق کنار کشید و در ترکیب کابینه نوری مالکی قرار نگرفت. این حزب همچنین در مارس ۲۰۰۷ از «ائتلاف عراق

یکپارچه» خارج شد و درصدد تشکیل فراکسیون پارلمانی جدیدی برآمد. اما اختلافات جدی‌تر بین «حزب فضیلت» و «ائتلاف عراق یکپارچه» زمانی بروز کرد که اعضای ۲۰ نفری «مجلس اعلای اسلامی عراق» در شورای استانی بصره با جذب اعضای مستقل سعی کردند الوائلی را از استانداری بصره کنار بگذارند و این موضوع را مالکی تأیید و حمایت کرد. (<http://www.juancole.com>)

«حزب فضیلت» در جریان انتخابات شوراهای استانی، توانست فقط ۵ کرسی از مجموع ۴۴۰ کرسی در ۱۴ استان عراق را کسب کند و ۲/۶ درصد از آرای استان‌های شیعه‌نشین را از آن خود کند. این حزب در رقابت‌های انتخابات سال ۲۰۱۰ در قالب «ائتلاف ملی عراق» مشارکت کرد و ۷ کرسی را در مجلس عراق به دست آورد. در جریان مذاکرات تشکیل دولت در عراق در سال ۲۰۱۰ به رغم حمایت «جریان صدر» و «سازمان بدر» از نخست‌وزیری مجدد مالکی، «حزب فضیلت» به همراه «مجلس اعلای اسلامی عراق» ابتدا از حمایت مالکی خودداری کرد، اما سرانجام در قالب تشکیل دولت مشارکت مالکی در کابینه شرکت کرد و با توجه به کرسی‌های خود، توانست پست وزارتی - خدماتی را به دست آورد.

همان‌گونه که تعداد کرسی‌های کسب شده «حزب فضیلت» در دو انتخابات شوراهای استانی در سال ۲۰۰۹ و انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ نشان می‌دهد، «حزب فضیلت» در طول دوره پس از صدام، در ساختار قدرت در عراق به تدریج، نقش کمتری پیدا کرده است. این حزب در مناطق شیعی جنوب عراق و به ویژه بصره، در پی رقابت با احزاب شیعی دیگر از جمله «جریان صدر» و «مجلس اعلای اسلامی عراق» بوده، اما با کاهش قدرت آن، آینده سیاسی حزب، حتی در خود بصره، چندان واضح نیست.

این در حالی است که جریان‌های شیعی غیرمذهبی یا سکولار - لیبرال عراق مانند «کنگره ملی عراق» به رهبری احمد چلبی و «جنبش وفاق ملی» به رهبری ایاد علاوی نتوانسته‌اند مانند جریان‌های اسلام‌گرای شیعی به موفقیت جدی و موقعیت برتر در نظام سیاسی نوین عراق برسند. در تبیین ضعف و ناکامی نسبی گروه‌های غیرمذهبی شیعی در عراق پس از صدام، جامعه شیعی عراق با توجه به مؤلفه‌های فکری و فرهنگی جامعه‌شناسی تاریخی آن، به عنوان گروهی با شاخصه‌های متمایز از سایر اعراب سنی مذهب در منطقه آسیای غربی، نقشی اساسی دارد.

تحولات راهبردی

طیف وسیعی از بازیگران و متغیرها، اعم از داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در عرصه نوین سیاسی عراق نقش آفرین هستند یا تحولاتی را به بار آورده‌اند که آن‌ها را «تحولات راهبردی» می‌خوانیم. این تحولات به آن دسته از تحولاتی گفته می‌شود که از یک سو، به طور مستقیم با آینده عراق و ترسیم چشم‌انداز سیاسی آن مرتبط است و از سوی دیگر، به جایگاهی که امروزه جریان‌های عمده شیعی در عراق به دست آورده‌اند، مربوط می‌شود. اما آنچه درباره آینده سیاسی شیعیان عراق و جایگاه آن‌ها در این کشور بیشتر نمود دارد نوع تعاملی است که جریان‌های عمده شیعی عراق باید با نیروهای خارج از عراق برای خود ترسیم نمایند. از جمله مهم‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مؤثر بر شرایط امروز عراق، قطعاً جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا هستند که یکی در همسایگی عراق و دیگری در قاره‌ای دیگر قرار دارد. از این رو، پیوندها و اشتراکات فرهنگی و مذهبی طولانی مدت این کشور با ایران ناگزیر می‌نماید: با توجه به قدرت‌یابی شیعیان در رأس حکومت عراق از یک سو، شمایی از نوع تعاملات جریان‌های شیعی با جمهوری اسلامی ایران را ترسیم می‌نماییم و از سوی دیگر، تعاملات این جریان‌ها را با ایالات متحده آمریکا به عنوان عامل تسریع‌کننده وضعیت نوین شیعیان عراق بررسی می‌کنیم.

رویکرد جریان‌های شیعی عراق به جمهوری اسلامی ایران

حذف رژیم بعث در عراق و قدرت‌گیری مبارزان و جریان‌های شیعی در عراق، از سوی جمهوری اسلامی ایران تحوّل مثبت تلقی شده است. این در حالی است که عراق نوین برای جمهوری اسلامی ایران فرصت‌ها و تهدیداتی را همزمان دربر داشته و این امر ضرورت اتخاذ راهبردی مناسب با تحولات مزبور را ایجاد کرده است. موضع شیعیان عراق در برابر ایران اسلامی عبارت است از: رابطه فعال، به رسمیت شناختن حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران، پذیرش قطعنامه ۶ مارس ۱۹۷۵ و عهدنامه‌های بعدی، گسترش روابط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، دینی و علمی، تشکیل نظام امنیتی منطقه‌ای که ایران و عراق در آن «نقش ویژه خود را ایفا می‌کنند، تشکیل جبهه دو یا چند جانبه برای مبارزه با نقشه‌های استعمار و صهیونیسم جهانی، همکاری زیربنایی در زمینه‌های ثبات شورایی، تکثیر فدرالیسم فرهنگی، آزادی، جامعه مدنی اسلامی، حقوق بشر (با تمام محتوای آن) و تعمیق ارزش‌های اسلامی و انسانی در بافت فکری و تمدنی دو جامعه اسلامی. (تقی عامری، بی‌تا، ص ۱۱۳) شیعیان عراق به منافع منطقه‌ای بیش از منافع شخصی و فردی ایمان دارند. نگاه گروه‌های شیعی به ایران در جهت کسب حمایت، تاحدی تحت

تأثیر میزان رابطه این گروه‌ها با ایران و همچنین شدت و وسعت حلقه‌های ارتباطی بین دو طرف قرار دارد. «مجلس اعلای اسلامی عراق» گرایش بیشتری به ایران دارد و ارتباط آن با مقامات ایرانی نیز قوی‌تر است. این گرایش تا حد زیادی به این واقعیت مربوط می‌شود که بیشتر رهبران «مجلس اعلای اسلامی عراق» سال‌های تبعید خود را در ایران سپری کردند و در طول سال‌های جنگ ایران و عراق نیز در کنار مردم ایران بودند. «حزب الدعوة» نیز دارای گرایش و دیدگاهی مثبت نسبت به ایران است، اما به نظر می‌رسد که نزدیکی آن‌ها به ایران کمتر باشد. این در حالی است که بیشتر رهبران اصلی این حزب مانند نوری مالکی بیشتر سال‌های تبعید خود را در سوریه گذرانده است. از سویی دیگر، مقتدا صدر، طی سال‌های حکومت رژیم بعث در عراق باقی ماند و این مسئله می‌تواند تا حدی توجیه‌کننده ارتباط کمتر آنان نسبت به ایران - دست‌کم - لاقفل در سال‌های ابتدایی ظهور این جنبش باشد.

شیعیان و رویکرد آن‌ها نسبت به ایالات متحده آمریکا

از مهم‌ترین اقدامات شیعیان عراق در قبال اشغال‌گری نیروهای آمریکایی، تصمیم سازمان روحانیت شیعه در عراق به رهبری مرجعیت دینی پیش‌گام برای ساخت عراقی مستقل و اعاده حق تعیین سرنوشت مردم عراق به آن‌ها از طریق دعوت از مردم برای حضور در خیابان‌ها و درخواست برای برگزاری انتخابات و اصرار بر انجام آن بود. بهانه حضور نیروهای اشغالگر موجب نشده رهبران دینی عراق از اهداف اصلی این اقدام استعماری غافل شوند. آن‌ها با هوشیاری تمام، انتخاب دولتی را، که منجر به وضع قانون اساسی مشروع شود و در ادامه این فرایند، حضور دولتی مقبول طرفین عراقی، که بر اساس قانونی مشروع، موجب گردد اشغالگران توجیحات خود را برای اشغال عراق از دست بدهند خواستار شدند. (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۹۱) رهبران شیعی نسبت به آمریکا دیدگاه‌های یکسانی ندارند و نظرات گروه‌هایی همچون صدیقیون با سایر رهبران سیاسی و مذهبی شیعی تفاوت عمده دارد. اما در مجموع در خصوص موضوع حساس رابطه با آمریکا و متحدان آن، سیاست‌مداران شیعی عمل‌گرایی قابل ملاحظه‌ای از خود نشان داده‌اند. بیشتر شیعیان با اشغال و شیوه اعمال قدرت کنونی مخالفند؛ اما بیشتر رهبران شیعی به تداوم حمایت آمریکا برای حفظ قدرت، ایجاد ساختار حکومتی جدید و سرکوب شورشیان را معتقدند. (Marr, op.cit, 1985, p.125) از این‌رو، دغدغه اصلی شیعیان نهادینه کردن قدرت خود در ساختار سیاسی جدید و استفاده از حمایت‌ها و امکانات قدرت آمریکا در این زمینه است. این امر به معنای همکاری کامل با آمریکا در تمامی حوزه‌ها نیست، بلکه به نظر می‌رسد جلوگیری

از ایجاد تنش در روابط شیعیان با آمریکا برای دستیابی به اهداف شیعی، نقطه اشتراک بیشتر گروه‌های شیعی عراق است. در میان احزاب و گروه‌های شیعی، «مجلس اعلای اسلامی عراق» دارای رویکردی ملایم‌تر و عمل‌گرایانه‌تر در قبال آمریکا است. «حزب الدعوة» دارای موضعی انتقادی‌تر است، اما این گروه نیز از هرگونه ایجاد تنش و خصومت در روابط خود با آمریکا اجتناب می‌ورزد. گروه صدر تنها گروهی است که به صورتی آشکار، دارای مواضع و جهت‌گیری‌های ضد آمریکایی است و این رویکرد به درگیری‌هایی بین «جیش المهدی» و نیروهای آمریکایی نیز منجر شده است. آیت‌الله سیستانی به‌عنوان اصلی‌ترین رهبر مذهبی شیعیان عراق، با نگرشی بلندمدت و در نظر گرفتن منافع تاریخی جامعه شیعی، ضمن حفظ فاصله خود با آمریکایی‌ها، گروه‌ها را به اجتناب از تنش با آمریکا و حفظ انسجام خود ترغیب می‌کند.

«مجلس اعلای اسلامی شیعیان عراق»، که اکنون تحت رهبری عمّار حکیم قرار دارد، از ابتدای اشغال عراق توسط آمریکا سعی کرده است که در روند سیاسی جدید این کشور، نقشی مثبت و سازنده ایفا کند. این مجلس در سیاست خارجی خود در قبال سایر کشورها، چارچوب مشخصی برای خود تعیین کرده است که بر مبنای آن و با توجه به منافع ملی، امنیتی خود، هرگونه سلطه‌گری از سوی آمریکا و هر کشور دیگری را منع می‌کند، اگرچه به‌منظور حذف جریان‌ها و گروه‌های تروریستی در عراق، با نیروهای نظامی، امنیتی داخلی و نیروهای ائتلاف بین‌المللی همکاری داشته است. رهبران مجلس اعلای اسلامی شیعیان عراق از جمله شهید آیت‌الله محمدباقر حکیم و مرحوم عبدالعزیز حکیم بارها عنوان کرده‌اند که شیعیان باید از تکرار اشتباهات تاریخی خود همچون قیام در برابر انگلیسی‌ها در دهه ۱۹۲۰ بپرهیزند؛ کاری که به محرومیت آن‌ها از قدرت سیاسی منجر شد. (February 2004, p. 25, www.Carlisle.army.mil/ssi) اکنون نیز سیدعمّار حکیم به‌عنوان رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق، با دفاع از حاکمیت، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی عراق، با دیدگاهی واقع‌گرایانه تلاش می‌کند با آمریکا از در ستیزه‌گری در نیاید بدین روی، فعالیت‌های خشونت‌آمیز در برابر نیروهای آمریکایی در عراق مخالفت می‌کند.

جریان مقتدا صدر در قبال آمریکا و حضور آن در عراق نسبت به سایر گروه‌های شیعی دیدگاهی متفاوتی دارد. از آن‌رو مقتدا صدر و پیروانش، که عمدتاً جوانان پرشور شیعی جنوب و مرکز عراق هستند، یکی از مشخصه‌های بارز سیاسی و نظامی‌شان تأثیرگذاران بر تحولات عراق و حتی منطقه است و با توجه به رویکرد ضد اشغالگری و ضد آمریکایی‌شان، به علاوه تفکرات جهان اسلامی و فرامنطقه‌ای‌شان، آمریکاییان را به شدت مضطرب ساخته‌اند. شاهد این ادعا آن

است که حتی در ابتدای اشغال عراق، نیورک تایمز نوشت: مقتدا، وابستگی خود را به آیت‌الله خمینی علیه السلام به صراحت اعلام کرده است. یکی از واحدهای شبه‌نظامیان صدر «آیت‌الله خمینی» نام‌گذاری شده است. احترام مقتدا به ایشان به، پیوندهای دیرینه خانوادگی در امتداد مرزها و دوره اسفناک رژیم بعث برمی‌گردد.» (CRS, Report for Congress, July 3, 2004) امروزه نیز محتوای مصاحبه‌های مقتدا صدر در حمایت از ایران، سوریه، «حزب‌الله» و شیعیان بحرین در مقابل سیاست‌های آمریکایی‌ها، از جمله مصادیق آن است که این امر به نوبه خود، تقویت پایگاه اجتماعی مقتدا صدر در میان نیروهای ضد اشغالگر داخل و خارج از عراق را به طور فزاینده‌ای برجسته نموده است، به گونه‌ای که وی علاوه بر بعد نظامی، در ابعاد سیاسی نیز موفقیت‌های چشمگیری برای جامعه شیعی به دست آورده است. بسیاری از مردم شیعه عراق این گروه را مستقل و ملی می‌دانند. این در حالی است که آمریکایی‌ها معتقدند: پشتیبان جریان مقتدا صدر، ایران است. (Nicolas Berns, August 2, 2007)

«حزب‌الدعوه»، که حیدر العبادی به‌عنوان یکی از اعضای ارشد آن هم اکنون پست نخست‌وزیری عراق را در اختیار دارد، دارای نگاه و رویکردی متفاوت از مجلس اعلای اسلامی و جریان مقتدا صدر است و با هر یک از این دو گروه دارای نقاط اشتراکی است، «حزب‌الدعوه» با رویکردی عمل‌گرایانه، به لزوم کاهش تنش‌ها با آمریکا برای نهادینه کردن قدرت شیعیان در عراق معتقد است. مداخله آشکار آمریکا در روند سیاسی عراق، تلاش برای محدود کردن فعالیت شبه‌نظامیان شیعی، سیاست تقویت گروه‌های سنی و شیعیان سکولار و انتقاد از عملکرد دولت‌مردان شیعی، از جمله این سیاست‌هاست که موجب می‌شود برخی شیعیان از سیاست آمریکا در این کشور به عنوان «خیانت دوم»^۱ علیه شیعیان، پس از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس یاد کنند و آن را تحت نفوذ و تأثیر حکمرانان سنی در اردن و عربستان بدانند. (Katzman, June 13, 2006, p.1) از این‌رو، در رویکرد عمل‌گرایان Z اکثریت جامع Z شیعی عراق در قبال آمریکا برای کسب حمایت، عناصری از تردید و ابهام نیز یافت می‌شود.

آمریکا و رویکرد آن نسبت به قدرت‌یابی شیعیان عراق

نگرانی آمریکا از قدرت یافتن شیعیان در عراق ناشی از احتمال نزدیکی آن‌ها به جمهوری اسلامی ایران و نیز به خطر افتادن امنیت اسرائیل است. مقتدا صدر در خطبه‌های نماز جمعه ۱۴

فروردین ماه گذشته، اعلام کرد که ما بازوی توانمندی برای دفاع از «حماس و حزب‌الله» در عراق خواهیم بود. سخنان مقتدا صدر در ابراز همراهی با «حماس و حزب‌الله» لبنان، آمریکایی‌ها را به شدت نگران کرده و شاید عامل اصلی آغاز فشار بیشتر بر مقتدا صدر از سوی آمریکایی‌ها باشد. سعی آمریکا بر آن است که حتی‌المقدور در عراق، انعطاف از خود نشان دهد و به همین سبب، با مشاهده فشار، رفتار خود را تغییر می‌دهد. برای آمریکا عدم شکل‌گیری یک جنبش اعتراضی و فراگیر شیعی یک اصل محسوب می‌شود؛ زیرا این امر مشکلات و چالش‌های کنونی آمریکا در عراق را افزایش خواهد داد.

با وجود اینکه جیف سیمونز می‌گوید: شیعیان مشکلات زیادی را رقم خواهند زد که مانع تلاش‌های آمریکا برای بازسازی جامعه عراق به عنوان یک جامعه دموکرات است» (سیمونز، ۲۰۰۳، ص ۷۷-۷۸) اما پس از سقوط صدام در عراق، آمریکاییان به شکل پیچیده‌ای به شیعیان وابستگی پیدا کرده‌اند. واشنگتن، که به حمایت شیعیان نیاز داشت، کنترل شیعیان بر عراق را تضمین کرد و این بهایی بود که آمریکا از پرداخت آن خشنود نبود. گرچه شیعیان عرب عراقی همانند شیعیان ایرانی نیستند، اما چون دولت شیعی در عراق ممکن است به متحد ایران تبدیل شود، این نتیجه‌ای نبود که ایالات متحده آمریکا خواستار آن باشد. (September, 2005, Reagan, p.23)

کارشناسان امور خارجه آمریکا معتقدند: «جامعه شیعیان عراق همواره به ایران امکان خواهد داد که در عرصه مسائل سیاسی عراق نفوذ کند.» (فولر، ۱۳۷۳، ص ۴۶) بنابراین، «نفوذ مرجعیت شیعه در عراق و تعامل مثبت ایران و عراق موجب شده است که آمریکایی‌ها در عراق، همسو با انگلیس، از سیاست قدیمی «تفرقه بینداز و حکومت کن»، برای ایجاد اغتشاش و جنگ روانی و رسانه‌ای در منطقه سود برند. تکرار واژه‌هایی همچون «ظهور هلال شیعه» و «تجدید حیات حکومت شیعیان» در منطقه، فقط در راستای ایجاد حساسیت میان وهابی‌های سنی و طیف تندرو معنا می‌یابد.» (دیلمی معزی، ۱۳۸۶، ص ۸) علت ادامه حرکت‌های تروریستی در عراق و عدم همراهی سنی‌ها با سایر گروه‌های اجتماعی عراق در فرایند دموکراسی، شاید به این سبب است که اکثریت شیعه قدرت انتخاباتی در خور توجهی دارند. در واقع، گروه‌های مخالف دولت‌های جدید عراق، که شیعیان، اکثریت کابینه‌هایشان را تشکیل داده‌اند، با تحریک آمریکاییان معتقدند: انتخابات آزاد زمینه‌های نفوذ قابل توجهی را به ایران در مسایل سیاسی عراق فراهم آورده است.

نتیجه‌گیری

با بررسی نقش و جایگاه جریان‌های عمده شیعی در عراق، مشاهده می‌شود که امروزه اندیشه سیاسی شیعی پس از مسلط شدن بر رأس قدرت عراق، با استفاده از مفاهیم جدید در این عرصه، علی‌رغم همه مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، سهم عمده‌ای در اداره عراق نوین و نقش الهام‌بخش برای شیعیان عرب در کشورهای اسلامی و عربی داشته است. رویکرد این جریان‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و تحولات سیاسی - اجتماعی نوین عراق به طور برجسته‌ای نشان می‌دهد که آن‌ها با اتخاذ رویکردی عمل‌گرایانه مبتنی بر واقعیت‌های نوین این کشور، در دو سطح تحولات عمومی و راهبردی، عملکردی مثبت از خود بر جای گذاشته‌اند.

در زمینه تعامل عراق نوین با جمهوری اسلامی ایران، به نظر می‌رسد با توجه به رویکرد ج.ا. ایران به وضع کنونی عراق، یعنی حمایت از حکومت اکثریت شیعه و در عین حال، مخالفت فعالانه با نیروهای اشغالگر و حضور آن‌ها در کشور عراق به عنوان همسایه غربی‌اش - و همسویی مستقیم و غیرمستقیم جریان‌های شیعی عراق بر خروج آمریکا از این کشور، این مهم، سیاست راهبردی مشترک دو طرف به شمار می‌رود.

اما در زمینه تعامل عراق نوین با ایالات متحده آمریکا، به نظر می‌رسد مهار یک طرف از طرف دیگر، آینده صحنه سیاسی عراق و احتمالاً منطقه را رقم خواهد زد. از مهم‌ترین اقدامات شیعیان عراق نسبت به اشغالگری نیروهای آمریکایی، تصمیم سازمان روحانیت شیعه در عراق به رهبری مرجعیت دینی پیش‌گام برای ساخت عراقی مستقل و اعاده حق تعیین سرنوشت مردم عراق و درخواست برای برگزاری انتخابات و اصرار بر انجام آن آغاز شد. جریان‌های شیعی عراق نسبت به آمریکا دیدگاه‌های یکسانی ندارند و نظرات جریان‌هایی همچون مقتدا صدر با سایر رهبران سیاسی و مذهبی شیعی تفاوتی عمده دارد. اما در مجموع، در خصوص موضوع حساس رابطه با آمریکا و متحدان آن، سیاست‌مداران شیعی عمل‌گرایی قابل ملاحظه‌ای از خود نشان داده‌اند. براین اساس، به نظر می‌رسد با تلاقی دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوت جریان‌های شیعی عراق به عنوان بازیگران اصلی در زمینه تحولات نوین عراق، همگی آن‌ها به طور فعال مشارکت دارند.

فهرست منابع

۱. اسدی، علی اکبر، «انتخابات شوراهای استانی در عراق: ابعاد و پیامدها»، گزارش راهبردی فوق‌العاده، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، ش ۱۲، بهمن ۱۳۸۷.
۲. _____، «روند تشکیل دولت ائتلافی در عراق و رویکرد بازیگران داخلی»، گزارش راهبردی، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، ش ۲۴۳، بهمن ۱۳۸۹.
۳. _____، «شیعیان عراق و اسلام‌گرایی در عراق پس از صدام: جریان‌ها و رویکردها»، کتاب خاورمیانه ۸، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۹۰.
۴. ای حسین، صفا، «خروج آمریکا از عراق: چالش‌ها و فرصت‌ها»، خاورمیانه‌پژوهی، ج ۴: بحران غزه و عراق، به کوشش مهدی ذاکریان، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۵. بشیر، حسن، «نقش نخبگان شیعی در تحولات سیاسی کشور (۱۹۲۱-۱۹۵۸)»، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، س هفتم، ش ۲۸، زمستان ۱۳۸۸.
۶. تقی‌زاده داوری، محمود، ماهنامه تحلیلی - خبری اخبار شیعیان، ش ۶۴، اسفند ۱۳۸۹.
۷. _____؛ مجموعه مقالات اجتماعی، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۸.
۸. ثقفی عامری، ناصر، مجموعه مقالات همایش عراق جدید و تغییرات ژئوپلیتیک، راهبرد، شماره ۳۹، ۱۳۸۵.
۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی ۱/۳۱/۱۳۸۲، پیام به مسلمانان جهان.
۱۰. خرمشاد، محمد باقر و نادری، احمد، «نقش حزب الدعوة الاسلامیه در گفتمان مقاومت جنبش شیعی عراق»، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، ش ۳۳، بهار ۱۳۹۰.
۱۱. الخطیب ابن النجف، تاریخ الحركة الاسلامیة المعاصرة فی العراق، بیروت، دارالمقدسی، ۱۹۸۰.
۱۲. در مصاحبه با نصر، سیدولی رضا، نشریه اشپیگل، ۲۵ اکتبر ۲۰۰۶.
۱۳. دیلمی معزی، امین، تحلیلی پیرامون «استراتژی ایران در عراق و نقش شیعیان این کشور»، باشگاه اندیشه در: www.bashgah.com.
۱۴. روحانی، حسن، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تحولات عراق و چشم‌انداز امنیت منطقه‌ای، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۴.
۱۵. رؤوف، عادل، العمل الاسلامی فی العراق بین المرجعیة و الحزبیة: دراسة نقدیة لمسیره نصف قرن (۱۹۵۰-۲۰۰۰)، دمشق، مرکز تبلیغاتی و پژوهش‌های عراق، ۲۰۰۵م.
۱۶. سیمونز، جیف: عراق المستقبل: السیاسة الامریکیة فی اعادة تشکیل الشرق الاوسط، بیروت، دارالساقی، ۲۰۰۴.
۱۷. شوقی البغدادی، خالد، دراسة فی بنية الأحزاب الشیعیة الرئیسیة فی العراق، دمشق، رند، ۲۰۱۱م.

۱۸. فرهاد، ابراهیم، الطائفية و السياسة في العالم العربي (نموذج الشيعة في العراق)، القاهرة، مكتبة مدبولي، ۱۹۹۶.
۱۹. فولر، قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۷۳.
۲۰. لطیف حسن، دایرة المعارف احزاب در عراق، ترجمه سیدعدنان محقق، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
۲۱. موصلی، احمد، سیره و حیاة الامام الخوئی، بیروت، دارالهادی، ۱۹۹۸.
۲۲. مؤمن، علی، سنوات الجمر: مسيرة الحركة الاسلامية في العراق ۱۹۵۷-۱۹۸۶، قم، مرکز الاسلامی المعاصر، ۲۰۰۴م.
۲۳. ناظمیان، رضا، جریان‌های سیاسی معاصر عراق، تهران، مؤسسه فرهنگی کتاب و عترت، ۱۳۷۹.
۲۴. نزاری، ماجد، عبدالصاحب دخیل و بدايات الحركة الاسلامية، بیروت، دارالفرات، ۱۹۹۰.
25. <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=3171>
26. <http://almejlis.ir/%d8%a7%d9%85%d8%b1%db%8c%da%a9%d8%a7-%d8%a8%d8%a7%d9%84%da%af%d8%b1%d8%af%d9%87%d8%a7%db%8c-%d8%a2%d9%be%d8%a7%da%86%db%8c-%d8%af%d8%b1-%d8%a7%d8%ae%d8%aa%db%8c%d8%a7%d8%b1-%d8%a7%d8%b1%d8%aa%d8%b4>
27. [www://mawtani.al-shorfa.com/fa/articles/iii/features/iraqtoday/2010/03/14/feature-01](http://www.mawtani.al-shorfa.com/fa/articles/iii/features/iraqtoday/2010/03/14/feature-01)
28. www.juancole.com/2007/07/basra-governor-dismissed-fadhila-rands.html
29. Katzman, Kenneth, "Iran's In Flunce Influence", CRS Report for Congress, June 13, 2006.
30. Marr, phebe, the modern history of Iraq, Boulder, Colorado: Westview Press, 1985.
31. **NewYorkTimes**, July 3, 2004.
32. Berns., Nicolas, August 2, 2007, "Council On Foreign Relations" available at: www.Cfr.Org
33. Reagan, Tom. September.13, "The Myth of Iraqis Foreign Fight". **The Christian Science Monitor**, 2005.
34. Terrill, W. Andrew, February 2004, "The United States and Iraq's Shiite Clergy: Partners or Adversaries? Available, at: www.Carlisle.Army.Mill/Ssi.